

نقش جریان‌های سیاسی در انتخاب اصلاح
شناخت شاه سلطان حسین‌ها کار سختی نیست

رمضان شعبانی سارویی



اشاره:

احزاب و جریان‌های سیاسی، همه ساله در ایام انتخابات، در صدد ائتلاف‌ها، آرایش‌ها و رفتارهای جدید انتخاباتی‌اند. انتخابات دهم ریاست جمهوری، برای همه جریان‌های سیاسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تاریخ سیاسی ایران خواهد داشت. بدین لحاظ بررسی آخرین وضعیت جریان‌های سیاسی، شکل‌دهی ائتلاف‌ها و اتحادهای جدید آنان در رقابت‌های انتخاباتی، برای فرهیختگان و خواص جامعه، یکی از مسائل مورد توجه است. آنچه در این نوشتار مورد اشاره قرار می‌گیرد؛ طیف‌بندی جریان‌های سیاسی در انتخابات ۸۸ و بررسی آرایش، مواضع، رفتارها و سناریوهای انتخاباتی در مهندسی افکار عمومی است.

آرایش جریان‌های سیاسی

آخرین آرایش و صف‌آرایی گروه‌های سیاسی در انتخابات دهم ریاست جمهوری، تا حدودی متأثر از مرحله دوم انتخابات نهم ریاست جمهوری اسلامی است. بدین معنی که در انتخابات گذشته، تمامی جریانات و تشکل‌های سیاسی در دو قطب سیاسی موافقان و مخالفان نامزد اصول‌گرایان صف‌آرایی کرده بودند. امروزه نیز در یک برآیند کلی، دو جریان مهم سیاسی کشور یعنی جریان اصولگرا و جریان اصلاح‌طلب در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم، مشغول رقابت‌های انتخاباتی‌اند. اگرچه در کنار دو جریان اصلی کشور، جریان‌های فرعی دیگری همچون طیف مستقل‌ها و جریان‌های اپوزیسیونی، در صدد تأثیرگذاری بر فرآیند انتخاباتی‌اند؛ اما تجربه سه دهه گذشته ثابت نموده که مهمترین جریان‌های تأثیرگذار در مهندسی و فرآیند انتخاباتی ایران، دو جریان اصلی کشورند که در سالیان گذشته با نام‌ها و ادبیات‌ها و گفتمان‌های خاصی خود را به افکار عمومی عرضه کرده‌اند.

وضعیت‌شناسی جریانات سیاسی

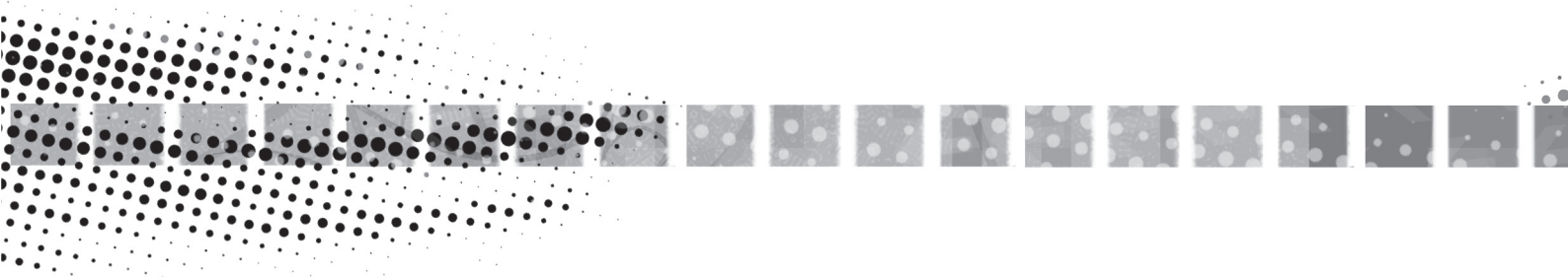
در یک بررسی و ارزیابی راهبردی و کلان نسبت به ظرفیت‌شناسی و بررسی وضع موجود دو جریان اصلی سیاسی کشور، مهمترین قوت‌ها و فرصت‌ها و نیز ضعف‌ها و تهدیدات آنان عبارتند از:

الف) جریان اصولگرا

این جریان دارای قوت‌ها و فرصت‌هایی از جمله: همسویی با ولایت و برخورداری از حمایت ولی امر مسلمین، همسویی با گفتمان انقلاب و امام (ره)، تدین و ارزش‌محوری، مردمی بودن و ساده‌زیستی، خدمات در استان‌ها، وجود شبکه بالقوه اطلاع‌رسانی بین مردمی و شفاهی، پیشینه سیاه و نامطلوب و غیرقابل دفاع رقیب انتخابات (دوم خردادی‌ها) از جمله: حمله به ارزش‌ها و فرهنگ، سیاست خارجی انفعالی، حمایت غرب، فرار برخی از عناصر به خارج از کشور و ژست اپوزیسیونی آنان است. همچنین اصولگرایان دارای قوت‌ها و فرصت‌های دیگری همچون: تقویت گفتمان اصولگرایی با پیروزی جنبش‌های انقلابی، برخورداری از سابقه روشن و موفق در دیپلماسی خارجی به ویژه پرونده هسته‌ای، برخورداری از حمایت نسبی روحانیت و بدنه ارزشی جامعه، بازتاب مثبت مخالفت بیگانگان و اپوزیسیون با اصولگرایان در بین جامعه، هماهنگی و جهت‌گیری‌های کلی اصولگرایان (عدالت‌خواهی، خدمت، پرکاری

اهمیت انتخابات دهم ریاست جمهوری در ایران از چند منظر قابل بررسی است. اولاً جایگاه ریاست جمهوری در نظام جمهوری اسلامی بر اساس ساختارها، کارکردها و وظایف، در بالاترین سطح بعد از رهبری است. بر اساس اصل ۱۱۳ قانون اساسی، پس از مقام رهبری، رئیس جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود، بر عهده دارد. همچنین از حیث اختیارات و وظایف نیز، ریاست جمهوری بر اساس قانون اساسی دارای مسئولیت‌های خطیری از جمله؛ اجرای قانون اساسی و نظارت بر حسن اجرای آن، امضای عهدنامه‌ها، تعامل‌نامه‌ها، موافقت‌نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین امضای پیمان‌نامه‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی، مسئولیت امور برنامه و بودجه و امور اداری و استخدامی، تعیین نماینده یا نمایندگان با اختیارات مشخص، تعیین سفیران به پیشنهاد وزیر امور خارجه و پذیرش استوارنامه سفیران سایر کشورها، اعطای نشان‌های دولتی، ریاست یا عضویت در بسیاری از شوراهای و نهادهای عالی (مثل شورای رهبری در صورت کناره‌گیری، فوت یا عزل رهبری، شورای عالی امنیت ملی و ...)، تعیین وزراء و ریاست سازمان‌های مهمی چون سازمان انرژی هسته‌ای، تربیت بدنی، گردشگری و ... را عهده‌دار است.

از سوی دیگر نظام جمهوری اسلامی در آستانه دهه چهارم؛ نیازمند استمرار، تثبیت و تقویت گفتمان پیشرفت و عدالت همراه با کارگزارانی است که دارای ویژگی‌هایی چون پاکدامنی، صداقت، روحیه خدمت، اسلام‌محوری، ولایت‌مداری، شجاعت به منظور افزایش کارایی و رضایتمندی مردم و انسجام بخشی و افزایش اقتدار نظام جمهوری اسلامی هستند. همچنین طمع دشمنان و اپوزیسیون به انتخابات به جهت مایوس کردن حضور مردم در فرآیند تصمیم‌گیری کشور و نیز از الزامات دهه چهارم انقلاب و متناسب با نیازهای انقلاب اسلامی و ضرورت حضور کارگزارانی در حاکمیت با داشتن مرز اعتقادی، سیاسی و فکری پررنگ با گروه‌های سکولار، مخالف و معاند، از جمله مسائل اساسی انتخابات ۸۸ است.



و تلاش و استقامت و ... با ضرورت‌های دهه چهارم انقلاب به نام گفتمان پیشرفت و عدالت است.

همچنین جریان اصولگرا در یک بررسی تحلیلی، دارای ضعف‌ها و تهدیدات زیر است: تأثیرپذیری بخشی از روحانیت و نیروهای ارزشی از مواضع شخصیت‌های رقیب اصولگرایی، آثار گرانی و تورم بر افکار عمومی، ضعف اطلاع‌رسانی، وجود رقابت در بین گروه‌های اصولگرا (سهام‌خواهی‌ها)، نداشتن مکانیزم رسمی برای هماهنگی طیف‌ها، مبهم بودن سابقه برخی کاندیداهای رقیب در نزد رأی‌دهندگان ارزشی، تأثیرپذیری افکار عمومی از سیاه‌نمایی‌ها علیه دولت، عدم هماهنگی کامل بین دولت و مجلس، ابهام در اقدامات زیربنایی دولت مثل طرح تحول اقتصادی.

ب) جریان اصلاح طلب

جریان مشهور به اصلاح‌طلبان در شرایط فعلی، دارای قوت‌ها و فرصت‌هایی از جمله: همراهی و جانبداری بعضی رجال سیاسی از آنان، اختلاف‌نظر بین طیف‌های جریان اصولگرا، حمایت جریان‌ها و رسانه‌های بیگانه و ایجاد عملیات روانی به نفع جریان دوم خرداد، داشتن مطبوعاتی حرفه‌ای در داخل، ظرفیت سوءاستفاده از تورم و خشکسالی، فراغت از کارهای اجرایی و داشتن فرصت برای نقد و سیاه‌نمایی، سوءاستفاده از تبعات اجرای طرح‌های زیربنایی، رهایی از قید و بندهای اخلاقی و وجدانی و قانونی و بی‌بندوباری در عرصه رقابت و تبلیغات انتخاباتی، همراهی بخشی از جریان روشنفکری دانشگاهی، تأثیرپذیری افکار عمومی از سیاه‌نمایی‌ها علیه دولت اصولگرا، امکان بهره‌برداری از شکاف‌های قومی و مطالبات صنفی و قشری است.

از سوی دیگر، اصلاح‌طلبان دارای چنین ضعف‌ها و تهدیداتی می‌باشند: کارنامه مبهم و عملکرد ضعیف دوران حاکمیت اصلاح‌طلبان، داشتن سابقه سیاه حمله به ارزش‌ها و اعتقادات عامه مردم، سیاست خارجی منفعلانه، حمایت بیگانگان و بخشی از اپوزیسیون از جریان دوم خرداد، وجود سابقه رانت‌خواری اقتصادی در پرونده برخی از اصلاح‌طلبان، نداشتن پایگاه قوی مردمی، نداشتن برنامه اقتصادی در گذشته، میدان دادن به سکولارها و همراهی با آنان، فرار عده‌ای از چهره‌های همسو با جریان دوم خرداد به خارج از کشور، سابقه ایجاد تنش و آشوب در جامعه، نداشتن لیدر و رهبری برای هماهنگی و وحدت، تردید در حمایت از یک کاندیدا برای وحدت و مردد بودن کاندیدای اصلی آنان، نداشتن برنامه اقتصادی مشخص و تمرکز بر طرح مشکلات و سیاه‌نمایی‌های یأس‌آفرین، وجود اختلافات مبنایی

و تکثر کاندیدای مطرح.

راهبردها و برنامه‌های جریانات سیاسی در انتخابات دهم

در بررسی استراتژی انتخاباتی اصولگرایان، مهمترین راهبردها عبارتند از:

۱. تمرکز بر روی کاندیدای صالح رأی‌آور؛
۲. تداوم گفتمان اصولگرایی در حاکمیت؛
۳. وحدت اصولگرایانه با اتخاذ الگوی "قابلیت و مقبولیت" **اهم استراتژی انتخاباتی اصلاح‌طلبان:**

۱. شکاف و تردید آفرینی در بین اصولگرایان برای عبور از احمدی‌نژاد (احمدی نژاد نه)
۲. تمرکز بر یک کاندیدای رأی‌آور به عنوان پل بازگشت به دوران اصلاحات

۳. سه قطبی کردن انتخابات (علاوه بر دو جریان اصلاح طلب و اصولگرا، یک نامزد میانه نیز مطرح شود)

رفتارشناسی جبهه اپوزیسیونی (آمریکا، غرب و ضدانقلاب)

انتخابات ریاست جمهوری دهم، ویژگی‌های خاصی نسبت به انتخابات گذشته دارد که از جمله آن‌ها، تشدید سیاست روانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران است. علت اساسی موضع خصمانه دشمنان انقلاب اسلامی، به نگرانی آنها از تداوم سیاست‌های اصولی نظام و بازگشت به شعارها و آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی است که تحت عنوان اندیشه اصولگرایی ظهور و بروز یافته است. در حقیقت علت اصلی نگرانی و ناخرسندی دشمنان از تداوم تفکر اصولگرایی، در مسائل زیر نهفته است:

- ۱- ادامه سیاست خارجی عزتمندانه در برابر زیاده‌خواهی‌های غرب؛
- ۲- استمرار مشی مقاومت‌جویی در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی؛
- ۳- احیای خصوصیات جوهری انقلاب و گفتمان امام (ره) و رهبری؛
- ۴- تلاش برای هدایت مدیریت کلان کشور در مسیر توسعه عدالت‌محور تا تحقق تبدیل ایران اسلامی به قدرت اول منطقه؛
- ۵- عدم عقب‌نشینی از مواضع انقلابی گذشته و دفاع از عملکرد نظام؛
- ۶- الگو شدن گفتمان اصولگرایی.

در رفتارشناسی جبهه اپوزیسیونی، مهمترین راهبردهای آنان شامل امور زیر است:





۱- تشدید فشارهای اقتصادی و سیاسی؛
 ۳- دلسردسازی مردم از حضور در پای صندوق‌های رأی؛
 ۴- تحریم انتخابات؛
 ۵- حمایت از یک جریان خاص.
 خط نفوذ در لایه‌های مدیریتی نظام جمهوری اسلامی، به عنوان یک راهبرد اساسی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، در دستور کار کاخ سفید بوده است. دشمنان انقلاب اسلامی جهت نیل به این مقصود، در هر انتخاباتی از یک جریان خاص حمایت نموده که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، این حمایت برای هر گروهی یک لکه ننگ بوده است و مردم آگاه ایران نیز با بصیرت سیاسی خویش، نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب می‌نمایند.
 ریس وزیر سابق وزارت خارجه آمریکا به صراحت می‌گوید: «امیدمان در ایران به مخالفان دولت احمدی نژاد است که شیوه کنونی را برای اداره کشور مناسب نمی‌دانند».
 ۶- زیر سؤال بردن انتخابات؛
 ۷- سیاه‌نمایی با هدف معرفی منجی؛
 ۸- اختلاف‌افکنی میان اصولگرایان؛
 ۹- تخریب و وسیع دولت نهم.

استراتژی نظام و نیروهای ارزشی در انتخابات پیش رو

با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، به استراتژی نظام و نیروهای ارزشی در انتخابات اشاره می‌گردد:
 «آنچه مهم است، این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، انتخابات-همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید- است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است، اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد. او را باید حفظ کرد. این ساخت حقوقی در حکم جسم است، در حکم قالب است، آن هویت حقیقی در حکم روح است، در حکم معنا و مضمون است. ... انحراف در هدف‌ها، در آرمان‌ها، در جهت‌گیری‌ها را باید مراقبت کرد که پیش نیاید. این چیزی است که در طول سال‌های طولانی- به خصوص بعد از جنگ و بعد از رحلت امام (ره)- درگیرش بودیم، جزو درگیری‌های اساسی در این دو دهه گذشته؛ یکی همین بود. تلاش‌های زیادی شده است برای اینکه جمهوری اسلامی ایران را از روح معنای خودش خارج کنند.» (سخنرانی در دانشگاه علم و صنعت)

همچنین معظم له در قسمتی دیگری از سخنرانی خود می‌فرماید:
 «تلاش‌های زیادی کرده‌اند، به شکل‌های مختلف، چه در زمینه‌های سیاسی، چه در زمینه‌های اخلاقی، چه در زمینه‌های اجتماعی، از اظهاراتی که شده و حرف‌هایی که زده شده، ما یک دوره‌ای را هم مشاهده کردیم که مطبوعات ما رسماً، علناً جدایی و تفکیک دین از سیاست را علنی کرده‌اند. اصلاً مسئله یکی بودن دین و سیاست که اساس جمهوری اسلامی و اساس حرکت عموم مردم بود، زیر سؤال

بردند. از این بالاتر؟

... برای اینکه چنین حالتی پیش نیاید و برای برخورد با این انحراف می‌شود با برجسته کردن مرزهای اعتقادی و فکری و سیاسی، جلوی این انحراف را گرفت.

... بعد از این همه حوادث گوناگون، عالم نخواهد توانست این درخت تناور را تکان بدهد که آن روزی که یک نهال بود، نتوانستند از جا درش بیاورند، امروز تبدیل شده به یک درخت تناور و ریشه‌دار. جمهوری اسلامی را نمی‌توانند تکان بدهند. ما باید خودمان مراقب باشیم که از درون پوک نشویم، از درون پوسیده نشویم. اگر جمهوری اسلامی دچار شاه سلطان حسین‌ها بشود که جرأت و جسارت ندارند، در خود احساس قدرت نمی‌کنند، در مردم خودشان احساس توانایی و قدرت نمی‌کنند، کار جمهوری اسلامی تمام خواهد شد.» (سخنرانی در دانشگاه علم و صنعت)
 مقام معظم رهبری در توصیه به خبرنگاران رهبری نیز فرمودند: «در این مسیر اگر در میان جریان‌های سیاسی، یکی از جریان‌ها به اصول و مبانی انقلاب اسلامی نزدیک‌تر بود، باید آن جریان را تقویت و حمایت کرد.»

نقش و رسالت ما

مهم‌ترین نقش و رسالت نظام و نیروهای ارزشی در انتخابات پیش روی، عبارتند از:
 مشارکت حداکثری و انتخاب هوشمندانه؛
 تحکیم و تقویت گفتمان اصولگرایی به عنوان ترجمانی از گفتمان امام و رهبری؛
 عدم بازگشت جریانات سیاسی فاقد هویت اسلامی و انقلابی به قدرت.
 برای رسیدن به این راهبردها، توجه به نکات کلیدی زیر به عنوان تاکتیک‌های راه ضروری است:
 تبیین گفتمان انقلاب، امام و رهبری؛
 بیان ضرورت‌های دهه چهارم انقلاب و در رأس آن ضرورت پیشرفت و الزامات مربوط به این دهه سرنوشت‌ساز؛
 بازیابی و بازگویی پرونده عملکرد جریانات سیاسی و مقایسه آن با مبانی انقلاب در مواضع امام (ره) و رهبری؛
 تفسیر و تشریح شاخصه‌های دولت اسلامی و کارآمد برای خدمت در دهه چهارم انقلاب؛
 نگاه به مرزبندی‌های فکری و سیاسی جناح‌ها و جریانات سیاسی با دشمنان و معاندان نظام؛
 بیان اهمیت انتخابات و نقش آن در تحقق آرمان‌ها و مطالبات مردم؛
 بیان کارنامه عملکرد مثبت نظام در ۳۰ سال گذشته و تقویت روحیه امید و نشاط در مردم؛
 تقویت و توسعه خط اصولگرایی و اتکاء به مدیران لایق و شجاع در اداره کشور و درک موقعیت زمانی نظام و افشای ترفندهای دشمنان اصولگرایی.